



امام حسین (علیه السلام) هنگامی که تصمیم گرفت (از مکه) رهسپار عراق شود، بر خاست و خطبه‌های به این مضمون ایراد فرمود

«الْحَمْدُ لِلَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ، وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ، خَطُّ الْمَوْتِ عَلَى وُلْدِ آدَمَ مَخَطٌ الْقَلَادَةِ عَلَى جِيدِ الْفِتَاءِ، وَ مَا أَوْلَهْنِي إِلَى أَسْلَافِي اِشْتِيَاقُ يَعْقُوبَ إِلَى يُونُسَ، وَ خَيْرِي مَصْرَعُ أَنَا لِأَقِيهِ. كَأَنِّي بِأَوْصَالِي تَقَطُّعُهَا عَسَلَانُ الْفُلُواتِ بَيْنَ النَّوَابِيسِ وَ كَرِبَلَاءَ فَيَمْلَأَنَّ مِنِّي أَكْرَاشًا جَوْفًا وَ أَجْرِيهِ سَعْبًا، لَا مَحِيصَ عَن يَوْمِ خَطِّ بِالْقَلَمِ، رَضِيَ اللَّهُ رِضَانًا أَهْلَ الْبَيْتِ، نَصَرَ عَلَى بِلَانِهِ وَ يُوقِنَا أَجْرَ الصَّابِرِينَ. لَنْ تَشُدَّ عَن رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِحَمَتِهِ، وَ هِيَ مَجْمُوعَةٌ لَهُ فِي حَظِيرَةِ الْقُدْسِ، تَقَرُّ بِهِمْ عَيْنُهُ وَ يَنْجِزُ بِهِمْ وَعْدَهُ.

مَنْ كَانَ بَاذِلًا فِينَا مُهْجَتَهُ، وَ مَوْطِنًا عَلَى لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ فَلْيَرِحْ لِحَمَتِنِي رَاحِلٌ مُصْبِحًا إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى .

بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۴۴، ص: ۳۶۷

ستایش مر خدای راست، و مشیت از آن او، و قوت و نیرویی جز به خدا نباشد (قوت هم ازوست) و درود خدا به رسول مکرم او (و آلش) و سلام خدا بر او باد، آرایش مرگ بر فرزند آدم چون آرایش گردنبنند بر گردن دوشیزگان است، گرایش و اشتیاقم به زیارت اسلالم (جد و پدر و مادر و برادرم) چون اشتیاق یعقوب به یوسف است، و برایم قتلگاهی گزیده شد که من بدان جایم باید رفت، گونیا می‌نگرم که گرگهای بیابان بند بند مفاصلم را از هم جدا کنند در میان نوایس و کربلاء، چه شکمها از من پر، و چه انبناها که از من آکنده گردد، گریزی از آنچه بر قلم تقدیر رفته نیست، ما- اهل البیت- خشنودی خدا را خرسندی خود دانسته، بر بلایش صابریم، و او اجر صابران را به ما می‌دهد، هیچ گوشت پیامبر (پاره تن) او از وی جدا نگردد مگر آن که در حضره القدس نزدش گرد آید، چشمش بدانها روشن گردیده و بدانها وعده‌اش انجام گردد.

هر کس که در راه ما خون نثار و بذل می‌کند، و لقای خدا را توطین نفس خویش می‌نماید، پس آماده کوچیدن با ما باشد، چه ما ان شاء الله بامداد فردا حرکت می‌کنیم.

• مروری بر مباحث جلسات گذشته

○ لقاء الله هدف اصلی خلقت انسان

■ اولیاء الهی و معرفی راه نیل به هدف

○ اهمیت شناخت صراط هدایت

■ اجتناب و پرهیز از عوامل گمراهی

○ اهمیت معیت و همراهی جهت سیر در سبیل الهی برای نیل به مقام لقاء الهی

○ عمل و تدام در مسیر انسان بر اساس شاکله نفسانی است

• شاکله نفسانی در دو جهت خداخواهی و خود خواهی

○ اشاره به شاکله روحانی و شیطانی و رابطه آن با سعادت در کلام ملاصدرا

■ سعادت هر چیزی عبارت است از رسیدنش به خیر وجودش تا بوسیله آن کمال خود را یافته و در نتیجه متلذذ شود. و سعادت در انسان که موجودی مرکب است (مرکب از روح و بدن) عبارت است از رسیدن به خیرات جسمانی و روحانی‌اش و متنعم شدن به آن است.

■ به نظر ملاصدرا سعادت هر چیز و خیر آن، نیل به چیزی است که به وسیله آن وجودش کمال یابد. وجود، خیر و سعادت است و آگاهی به آن نیز خیر و سعادت می باشد صدرالدین شیرازی، ۱۹۹۹م: ۱۲۱/۹

■ به اعتقاد ایشان سعادت هر قوه، نیل به چیزی است که مقتضای طبع آن بوده باشد، بدون آفت و به حصول کمال آن.

• یعنی کمال هر قوه‌ای از نوع یا جنس همان قوه است؛ مثلاً، کمال و سعادت قوه شهوت لذت است و کمال و سعادت برای قوه غضب، غلبه و برای وهم، امید و تمنا و برای خیال، تصویر مستحسنتات میباشد و کمال و سعادت نفس به حسب ذات عقلیه اش عبارت است از وصول به عقلیات و دریافت صور الهیه (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۲: ۴۱۷-۴۱۹)



• روش تربیت معنوی در نجوای معصومین علیهم السلام

○ لوازم مقابله با هوای نفس در شاکله آن با توجه به فرازی از مناجات شعبانیه

○ إلهی لم یکن لی حول فأنقل به عن معصیتک إلا فی وقت أیقظتني لمحبتک و کما أزدت أن أکون کنت فشکرک بإدخالی فی کرمک و لتطهير قلبی من أوساخ الغفله عنک

▪ آفریدگار! تو آن نداشته ام که از نافرمانیت دست شویم، مگر آنگاه که به عشق و محبت خویش بیدارم ساخته ای، یا آنگونه بوده ام که تو خود خواسته ای. تو را سپاس، که مرا در کرم خویش وارد کردی و دلم را از آرایشها و کدورت‌های غفلت از خودت را پاک نمودی.

▪ یقظه اولین مرحله سلوک

▪ تاثیر گناه و هوای نفس در مخالفت با حرکت صحیح

▪ رابطه محبت و بیداری عرفانی

▪ پاکیزگی قلب از عوامل غفلت

○ اهمیت شناخت در معرفت معنوی با توجه به فرازی از دعای عرفه امام حسین علیه السلام

○ ماذا وجد من فقدک وما الذی فقد من وجدک

▪ کسیکه تو را گم کرده چه یافته؟ و چه گم کرده، کسیکه تو را یافته است

▪ معرفت راستین و عشق حقیقی

▪ رابطه عشق حضرت حق با مخالفت با هوای نفس

○ اهمیت قلب شائق در مسیر حقیقت در کلام امیرالمومنین علیه السلام در فرازی دیگر از مناجات شعبانیه

○ إلهی هب لی قلبا یدنیه منک شوقه و لسانا یرفع إلیک صدقه و نظرا یقربه منک حقه

▪ خدایا! مرا قلبی بخش که شوق و عشق، به تو نزدیکش سازد، و زبانی عطا کن که صداقت و راستی‌اش به درگاهت بالا رود و نگاهی بخش، که حقیقتش، زمینه‌ساز قرب به تو گردد!

• تقسیم مردم به دو دسته در کلام قرآن کریم

○ بیان ضابطه برای صفات طاعی دوزخی، و خائف از مقام پروردگار با توجه به آیات ۳۵ الی ۴۰ سوره مبارکه نازعات

○ یوم یتذکر الإنسان ما سعی * و برزت الجحیم لمن یری * فأما من طعی * و آثر الحیاء الدنیا * فإن الجحیم هی المأوی * و أما من خاف مقام ربّه و نهی النفس عن الهوی *

▪ روزی که انسان آنچه کوشیده است، به یاد می‌آورد، و دوزخ را برای هر که می‌نگرد، آشکار می‌سازند، اما آنکه سرکشی کرده باشد، و زندگی این جهان را برگزیده باشد، تنها دوزخ جایگاه اوست. و اما آنکه از ایستادن در پیشگاه پروردگارش پروا کرده و روان خود را از خواهش (ناروا) بازداشته باشد؛

▪ خدای تعالی در این آیات سه‌گانه، مردم را به دو دسته تقسیم فرموده، اهل جهنم و اهل بهشت، و اگر صفت اهل جهنم را جلوتر ذکر کرد برای این بود که روی سخن با مشرکین است.



- لوازم و آثار طغیان و خوف از مقام رب
 - لوازم طغیان این طائفه یکی همین است که زندگی دنیا را اختیار کنند، و این همان است که بعد از توصیف آنان به طغیان با جمله "واثر الحیة الدنیا" توصیفشان کرده است.
 - از لوازم طغیان رها کردن آخرت و ایثار حیات دنیا یعنی پیروی هوای نفس در آنچه می‌خواهد، و اطاعتش در آنچه دوست دارد.
 - نهی از هوای نفس، لازمه خوف از خداوند
- مقصود از مقام تربیتی پروردگار و خوف از آن
 - در آیه مقام خدای تعالی، صفت ربوبیت و سایر صفات کریمه او چون علم و قدرت مطلقه‌اش و قهر و غلبه‌اش و رحمت و غضبش می‌باشد، که همگی از لوازم ربوبیت او است.
 - بنابراین مقام خدای تعالی که بندگان خود را از آن می‌ترساند همان مرحله ربوبیت او است که مبدأ رحمت و مغفرت او نسبت به کسانی است که ایمان آورده تقوی پیشه کنند، و نیز مبدأ عذاب سخت و عقاب شدید او است، نسبت به کسانی که آیات او را تکذیب نموده و نافرمانیش کنند.
 - خوف از خدا مانع ارتکاب معصیت
 - در تفسیر قمی در ذیل این آیه آمده که این درباره بندگان خدا است، که وقتی در برابر معصیت خدا قرار می‌گیرد با اینکه می‌تواند مرتکب شود، از ترس خدا مرتکب نمی‌شود، و بخاطر نهی خدا نفس خود را از ارتکاب آن نهی می‌کند، و تلافی این عملش همان جنت است.